

## تأملی بر نسبت میان حقوق مالکیت فکری و حقوق محیط زیست

علی مشهدی\*

استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

میترا محتشمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۴/۱۴)

### چکیده

حقوق محیط زیست و حقوق مالکیت فکری، دو حوزه نوظهور در مطالعات حقوقی است. با این حال، اهداف هر یک از این دو حوزه ممکن است در بسیاری از جهات با یکدیگر در تعامل یا تعارض قرار گیرند. این مقاله به بررسی نسبت میان حقوق مالکیت فکری و حقوق محیط زیست پرداخته است. پرسش اساسی این است که نقش حقوق مالکیت فکری در حفظ محیط زیست جهانی چیست؟ در این زمینه می‌توان از دو رویکرد کلی بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری و نظریه سیستمی حقوق مالکیت فکری سخن گفت. انتقال تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست (EST)، حمایت از دانش سنتی و بومی در حفظ محیط زیست، و حمایت از آثار و ابداعات کمتر آلاینده، حوزه‌هایی هستند که نظریه بی‌طرفی را به چالش فرا می‌خوانند. فرض اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که ابعاد زیست‌محیطی حقوق مالکیت فکری نمایانگر آن است که این دو حوزه از حقوق، روز به روز به سمت همگرایی بیشتر در حرکت‌اند. این امر ناشی از اهمیت روزافزون دل‌مشغولی‌های زیست‌محیطی در نظام‌های حقوقی معاصر است. لزوم توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در جریان شناسایی حق‌های مالکیت فکری مهم‌ترین یافته این پژوهش است.

### واژگان کلیدی

پروتکل کارتاگنا، تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست، حقوق مالکیت فکری، حقوق محیط زیست، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون رم، گونه‌های جدید گیاهی.

## ۱. مقدمه

نسبت میان حقوق مالکیت فکری<sup>۱</sup> و حقوق بین‌الملل محیط زیست<sup>۲</sup> اندکی پیچیده است و این به آن سبب است که رویه‌ها و اسناد استراتژی مشخصی را در این دو حوزه درپیش نگرفته‌اند. با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که میان این دو حوزه، برخی تعارض‌ها و تعامل‌ها وجود دارد. در سوییۀ تعامل می‌توان از چهار حوزه مشخص سخن گفت؛ نخست، در زمینه حمایت و انتقال تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست که حقوق مالکیت فکری می‌تواند با حمایت مؤثر از این تکنولوژی‌ها به حفظ محیط زیست کمک نماید. دوم، طرح‌های صنعتی کمترآلاینده، که بر حمایت مؤثر حقوق مالکیت فکری از آن‌ها تأکید می‌شود. سومین حوزه حمایت از اختراعات و نوآوری‌های دوستدار محیط زیست و درنهایت حمایت از آثار و دانش سنتی در حفظ محیط زیست است.

در سوییۀ تعارض نیز باید از تعارض حق اختراع با استانداردهای زیست‌محیطی و نیز تعارض حق‌های مرتبط با مالکیت‌های فکری به‌عنوان مانعی در راستای حفاظت محیط زیست سخن گفت. بدینسان دکترین بی‌طرفی حقوق مالکیت فکری در رویارویی با الزامات حفظ محیط زیست از جمله، شروط مندرج در قراردادهای دسترسی به انتقال فناوری و تکنولوژی و حمایت از آثار ضد محیط زیست، آن‌ها را رودرروی هم قرار می‌دهد. به‌نظر می‌رسد، مبنای اصلی آشکار شدن برخی تعارضات میان این دو حوزه، بیشتر ناشی از جنس تعهدات زیست‌محیطی و تعهدات حقوق مالکیت فکری است. از یک سو تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی، اغلب تعهداتی از جنس «تعهدات غیرمتقابل» و مبتنی بر نفع همگانی‌اند (امیرارجمند، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳) و از سویی دیگر تعهدات مندرج در اسناد حقوق مالکیت فکری، بیشتر از جنس تعهدات دوجانبه و مبتنی بر نفع متقابل<sup>۳</sup> هستند. در ادامه سعی خواهیم نمود به اختصار به بررسی مبانی نظری و برخی ابعاد حقوقی این دو سویه در اسناد و رویه‌های بین‌المللی بپردازیم.

## ۲. مبانی پیوند حقوق مالکیت فکری و محیط زیست

پرسش اساسی این است که حقوق مالکیت فکری باید نسبت به الزامات محیط زیست چگونه باشد؟ آیا معیار محیط زیست می‌تواند در میزان حمایت مؤثر باشد، یا این نظام حقوقی اساساً نسبت به حفظ محیط زیست بی‌طرف است؟ این بحث‌ها در سند تریپس (موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری) و اسناد زیست‌محیطی رهیافت‌های بعضاً متفاوتی را به‌دنبال داشته است

1. Droit international de la propriété intellectuelle

2. Droit international de l'environnement

3. Recipricité

که می‌توان از نظریه بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری و نظریه سیستمی حقوق مالکیت فکری به‌عنوان دو الگوی رقیب در این زمینه یاد کرد.

## ۱.۲. نظریه بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری

بر اساس این رهیافت، حقوق مالکیت فکری نسبت به حفظ محیط زیست بی‌طرف است. در این نظریه اساساً نظام حقوق مالکیت فکری به حمایت از کلیه آثار قابل حمایت می‌پردازد و به ملاحظات خارج از شرط قابل حمایت بودن اثر از جمله الزامات زیست‌محیطی توجهی ندارد. یعنی در واقع حقوق مالکیت فکری تفاوتی میان تکنولوژی و اختراعات مضر به محیط زیست و دوستدار محیط زیست قائل نمی‌شود (Michael Gollin, 1991: p. 196). سه توجیه یا استدلال اساسی برای دفاع از این رویکرد وجود دارد: نخستین توجیه بر تحلیل‌های پوزیتیویستی از نظام حقوق مالکیت فکری استوار است؛ به این معنا که حقوق مالکیت فکری به ملاحظات غیرمرتبط، نظیر اصول اخلاقی و زیست‌محیطی، نباید توجه نماید. این امر به معنای محدود نمودن قلمرو این علم نیز هست.

دومین توجیه مبتنی بر رهیافت‌های علم‌گرایی (سیانتیسم)<sup>۱</sup> است. به این معنا که حقوق مالکیت فکری اساساً تضمین‌کننده توسعه حقوق مالکانه و دستاوردهای علمی بشر است؛ در حالی که توجه به الزامات زیست‌محیطی در محتوای قواعد مالکیت فکری چیزی جز ایجاد مانع در توسعه دستاوردهای علمی بشری و نفی تلاش‌های عملی و کاستن انگیزه‌های پیشرفت علمی، کار و ابداعات نیست (Falque: 2009 www.unmondelibre.org)؛ هرچند که این تکنیک‌ها به استثمار و نابودی طبیعت منجر گردند. برای مثال از نظر این رویکرد، آثار، طرح‌ها و نوآوری‌های ضد محیط زیست، مانند وسایل نوین صید و شکار، پاک‌تراشی جنگل‌ها، دستکاری ژنتیکی، تکنولوژی‌ها و آثار آلاینده و نظایر آن نیز قابل حمایت هستند.

سومین توجیه ناشی از عدم تعیین و تکوین حقوق بین‌الملل محیط زیست است؛ به این معنا که تخریب محیط زیست خود مفهومی مبهم و کشدار است. لذا چگونه نظام حقوق مالکیت فکری می‌تواند به دستاوردهای این علم اعتماد کند. نمونه آن را می‌توان در اختلاف کشورهای جنوب و شمال در زمان امضای کنوانسیون وین<sup>۲</sup> و پروتکل مونترال<sup>۳</sup> درباره قطعیت یا عدم قطعیت علمی سوراخ شدن لایه ازن مشاهده کرد. به‌طور کلی کشورهای توسعه‌یافته نظیر ایالات متحده آمریکا که بیشتر صاحب حق اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری بوده،

1. Scientism

2. Convention des Nations Unies de Vienne du 22 mars 1985 pour la protection de la couche d'ozone

3. Protocole 1987 de Montréal sur les substances qui appauvrissent la couche d'ozone).

دارای وضعیت مطلوب هستند، بر این رویکرد پای می‌فشارند (Pigretti, 2002: p.52) و خواهان بهره‌مندی بیشتر از حقوق خود، فارغ از هرگونه ملاحظات بهداشتی، اخلاقی، زیست‌محیطی یا تغذیه‌ای هستند.

## ۲.۲. نظریه سیستمی نظام حقوق مالکیت فکری

بر اساس این نظریه، رعایت ملاحظات زیست‌محیطی «شرط» قابل حمایت بودن اثر است. بنابراین اثری که آلاینده بوده و ناقض حق‌های زیست‌محیطی باشد، اساساً قابلیت حمایت قانونی نخواهد داشت. این نگاه رویکرد محیط زیست‌گرایان<sup>۱</sup> است. سه توجیه بنیادین برای خنثی نبودن نظام حقوق مالکیت فکری می‌توان ارائه نمود؛ نخست اینکه حقوق مالکیت فکری به مانند سایر حوزه‌های مدرن حقوق یک نظام فلسفه‌مند و غایت‌گراست. این نظام نمی‌تواند نسبت به تأمین عدالت و نظم که از اهداف حقوق است و نیز محتوای قواعد اخلاقی بی‌طرف باشد. دوم اینکه کلیه حوزه‌های حقوق امروزه به سمت توجه به ملاحظات زیست‌محیطی پیش رفته‌اند. به دیگر سخن، از نظر محیط زیست‌گرایان، قبل از کنفرانس استکهلم هم دیگر حوزه‌های حقوق نظیر حقوق تجارت، حقوق بشر و حقوق اساسی نسبت به این حوزه‌ها بی‌طرف بودند، اما پس از آغاز عصر اکولوژی ما شاهد «به سبز متمایل شدن حقوق‌ها»<sup>۲</sup> بوده‌ایم. بنابراین با پدیداری حفظ محیط زیست به مثابه یک ضرورت، حوزه حقوق مالکیت فکری نمی‌توانست نسبت به الزامات حفظ محیط زیست بی‌طرف باشد.

سومین توجیه مبتنی بر تفکر کل‌گرایانه و جهانی شدن بحران‌های زیست‌محیطی<sup>۳</sup> است. امروزه بحران محیط زیست همه‌گیر و جهانی است (پناهنده، ۱۳۸۲، ص ۷۳)، لذا حقوق بین‌الملل شاهد نضج و تحکیم قواعدی است که از ضرورت‌های توجه جامعه بین‌المللی و لزوم هماهنگی دیگر حوزه‌های حقوقی از جمله حقوق بین‌الملل مالکیت فکری، نشئت می‌گیرد (Clavier, 1998: p. 81). سیاست‌های زیست‌محیطی نیز تنها به دنبال حمایت از آن دسته از مالکیت‌های فکری هستند که دوستدار محیط زیست‌اند. این دکترین بر یک پیش‌فرض اساسی استوار است که آثار فکری نباید به تخریب محیط زیست منجر شود یا زمینه‌ساز آن باشد. کشورهای با تفکر سوسیالیستی که اساساً مخالف نظام حقوق مالکیت فکری‌اند (Pigretti 2002: p. 52) و کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته که به تعدیل این نظام در پرتو تعهدات غیرمتقابل زیست‌محیطی پای می‌فشارند، حامیان اصلی این رویکرد در حقوق مالکیت فکری هستند.

1. Environmentalist
2. Greening of laws
3. Mondialisation de l'environnement

### ۳. ابعاد زیست‌محیطی حقوق مالکیت فکری

اگر به پیوند این دو حوزه توجه شود، می‌توان از برخی موضوعات مشترک میان این دو حوزه، یعنی «ابعاد زیست‌محیطی مالکیت‌های فکری» سخن به میان آورد. بحث‌های مربوط به ارتباط میان این دو حوزه را می‌توانیم در موضوعات مربوط به حمایت از دانش سنتی، حفاظت از تنوع زیستی، ایمنی زیستی، انتقال تکنولوژی‌های پاک، حمایت از آثار دوستدار محیط زیست، حمایت از منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری و حمایت از سایر آثار فکری، ادبی، هنری و اختراعات دوستدار محیط زیست یافت (ر.ک. صادقی و شمشیری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). حمایت و شناسایی برخی حقوق مربوط به مالکیت‌های فکری مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی نیز نقش دیگر این حوزه است. اصل ۴۵ قانون اساسی نیز به ذکر برخی از مصادیق پرداخته و اموال زیست‌محیطی را به‌مثابه یک «ثروت عمومی» معرفی کرده است؛ ازجمله این مصادیق می‌توان به رودخانه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، مراتع غیرحریم، معادن، آب‌های عمومی اشاره نمود. به این عناصر در اصطلاح «دارایی‌های زیست‌محیطی» گفته می‌شود. این دارایی‌ها همان‌گونه که در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی تصریح گردید، به لحاظ زیباشناختی، علمی و ارزش‌های بازار حمایت می‌شوند. به برخی از این حق‌های قابل حمایت می‌توان به صورت زیر اشاره نمود.

ردیف	عنصر محیط زیست	حق مالکیت مرتبط
۱.	دریاها و اقیانوس‌ها	حق صید ماهی
۲.	کوهستان‌ها و مناظر زیبا	حق منظر
۳.	معادن	حق کاوش
۴.	حیات وحش	حق شکاربانی
۵.	تنوع زیستی	حق ثبت، حق منظر، دانش سنتی، آثار بدیع طبیعی
۶.	آلودگی آب	حق آلودگی قابل فروش (نظام تجارت آلودگی)
۷.	آلودگی هوا	مجوزهای آلودگی، تجارت انتشار

در ادامه به برخی از ابعاد این مسئله و چگونگی ظهور این رویکردها اشاره می‌شود.

#### ۳.۱. تنوع و ایمنی زیستی

حقوق مالکیت فکری در وهله نخست ارتباط چندانی با تنوع زیستی ندارد؛ به همین سبب «اختلاف نظر چشمگیری میان موافقت‌نامه ترپیس (موافقت‌نامه تجاری حقوق مالکیت فکری) و کنوانسیون تنوع زیستی وجود دارد» (کیس، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). اما حقوق مالکیت فکری را می‌توان یکی از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی حفاظت از تنوع زیستی به‌شمار آورد. به عبارت دیگر،

شناسایی نظام حقوق مالکیت فکری زمینه‌ساز حفاظت از تنوع زیستی در زمینه انتقال تکنولوژی و دانش سنتی حفظ محیط زیست است. به همین سبب، پیوند موضوع حفاظت از تنوع زیستی با مالکیت فکری، بیشتر مرتبط با انتقال تکنولوژی‌ها و دانش فنی مربوط به حفظ و احیای تنوع زیستی است. در این میان کشورهای توسعه‌یافته اساساً بر رعایت حقوق مالکیت فکری خود از جمله حق اختراع و دانش فنی تأکید نموده، کشورهای درحال توسعه بیشتر بر رفع چنین مواردی پای می‌فشردند. در این میان می‌توان به رویکرد سه سند اساسی یعنی کنوانسیون تنوع زیستی، سند تریپس و پروتکل کارتاهانا اشاره کرد و رویکردها آن‌ها را با همدیگر تطبیق داد.

### ۳. ۱. ۱. کنوانسیون تنوع زیستی

کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲م<sup>۱</sup> به‌عنوان مهم‌ترین سند، به موضوع انتقال تکنولوژی و دسترسی صحیح به منابع زیستی پیوند می‌خورد. یکی از اهداف اساسی این کنوانسیون که در ماده نخست به آن تصریح شده، دسترسی مناسب به منابع ژنتیکی و انتقال صحیح تکنولوژی‌های مربوط، با در نظر گرفتن کلیه حقوق مربوط به آن منابع و تکنولوژی‌ها، معرفی شده است. بر این اساس، هریک از کشورهای عضو این کنوانسیون موظف است که تسهیلات لازم را برای دسترسی و انتقال تکنولوژی‌هایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی یا استفاده از منابع ژنتیکی هستند و خسارت قابل ملاحظه‌ای به محیط زیست وارد نمی‌کنند، برای دیگر کشورهای عضو تأمین و یا تسهیل نماید.

کنوانسیون تأکید دارد که دسترسی به این قبیل تکنولوژی‌ها و انتقال آن به کشورهای درحال توسعه باید تحت شرایط عادلانه و بسیار مطلوب باشد. در خصوص حقوق مالکیت‌های فکری نیز مقرر می‌دارد: «در مواردی که تکنولوژی تحت امتیاز یا سایر حقوق مالکیت معنوی باشد دسترسی و انتقال، برابر شرایطی خواهد بود که موافق با حمایت مناسب و مؤثر از حقوق مالکیت معنوی یادشده و مطابق با آن باشد. هریک از کشورهای عضو به نحو مقتضی باید تدابیر تقنینی، اجرایی یا سیاست‌گذاری را با این هدف اتخاذ کند که کشورهای عضو به‌ویژه کشورهای درحال توسعه که تأمین‌کننده منابع ژنتیکی می‌باشند، بر اساس شرایط مورد توافق دو طرف از جمله اینکه تکنولوژی باید به‌موجب حق‌الامتیاز و دیگر حقوق مالکیت معنوی... برابر حقوق بین‌المللی مورد حمایت قرار گیرد، به تکنولوژی و انتقال آن دسترسی پیدا کنند...». کشورهای عضو با تأیید اینکه حق‌الامتیاز و سایر حقوق مالکیت معنوی می‌تواند بر اجرای این کنوانسیون تأثیر بگذارد، باید در این مورد، برابر قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل

1. Convention 1992 des Nations Unies sur la Diversité Biologique (CDB).

به منظور حصول اطمینان از اینکه چنین حقوقی حامی این کنوانسیون بوده و مغایر با اهداف آن نخواهد بود، همکاری کنند» (بخشی از بندهای ۱ تا ۵ ماده ۱۶).

با نگاهی به رویکرد کلی کنوانسیون، می‌توان دریافت که این سند با پذیرش منصفانه حقوق مالکیت فکری میان این دو حوزه آشتی ایجاد کرده است. در واقع تأکید کنوانسیون بر تعهد به انتقال تکنولوژی به گونه‌ای عادلانه و منصفانه میان اعضا و ضرورت اتخاذ تدابیر تقنینی، اجرایی و سیاست‌گذاری در این راستا و در نهایت تلقی حمایت از تکنولوژی‌های مخرب محیط زیست به مغایرت آن با هدف کنوانسیون در این راستاست.

### ۳. ۱. ۲. سند تریپس (موافقت‌نامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری)

رابطه تریپس (موافقت‌نامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری)<sup>۱</sup> و حفاظت از محیط زیست را می‌توان در نقش مقررات تریپس در ارتقای محیط زیست یافت. پس از اجلاس مراکش و پیشنهاد تشکیل کمیته تجارت و محیط زیست (Comité du Commerce et de l'Environnement (CCE)) و تبلور آن در اجلاس دوحه<sup>۲</sup>، این کمیته نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا کرده است. از بحث‌های اساسی مطرح‌شده در این کمیته، موضوع حقوق مالکیت و گواهی‌نامه‌های قابل مذاکره بود. هدف موافقت‌نامه تریپس، دستیابی به قواعد و استانداردهایی برای تضمین اجرای حقوق مالکیت فکری در کشورهای عضو است. ولی این اجرا در قید چند تعهد قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها حفظ محیط زیست است. در سند تریپس به‌طور مشخص دو ماده به این موضوع اشاره کرده و به‌نوعی دکتترین بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری را کنار زده است. نخست پارگراف ۲ ماده ۲۷ تریپس در خصوص محرومیت از اختراعات انحصاری به دلایل زیست‌محیطی است که بیان می‌دارد:

«اعضا ممکن است از برخی از اختراعات انحصاری محروم شوند این ممنوعیت در داخل قلمرو سرزمینی برای بهره‌برداری تجاری از جمله حفظ نظم عمومی و اخلاق عمومی از جمله برای حفاظت از حیات انسان، حیوان و گیاهان یا برای جلوگیری از زیان جدی به محیط زیست ضروری است».

در ادامه، این ماده تأکید دارد که این قبیل محرومیت‌ها صرفاً مربوط به مرحله ساخت نمی‌شود، بلکه مرحله بهره‌برداری از این اختراعات را نیز شامل می‌گردد. دومین ماده بند ۳ ماده ۲۷ است که در راستای حفاظت از تنوع زیستی تأکید می‌کند که هر یک از اعضا باید برای حفاظت از تنوع گیاهان و جانوران تلاش نمایند. به موجب این ماده اعضا می‌توانند قابلیت ثبت

1. Accord sur les aspects de la propriété intellectuelle liés au commerce (ADPIC) du 15 décembre 1994

2. Mandat ministériel de Doha, 2001.

انحصاری برخی از موارد را حذف نمایند (کولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰، ص ۵۱۹) که شامل گیاهان و حیوانات به جز میکروارگانیزم‌ها و فرآیندهای زیستی اساسی برای تولیدکنندگان و حیوانات به جز فرآیندهای غیرزیستی و میکروزیستی می‌شود. با وجود این، اعضا باید حمایت از تنوع گیاهی را از طریق یک سیستم با وضعیت خاص یا ترکیبی از هر دو ایجاد نمایند (همان).

### ۳.۱.۳. پروتکل کارتاها

موضوع اصلی پروتکل کارتاها<sup>۱</sup> ایمنی زیستی در فناوری زیستی است.<sup>۲</sup> امروزه شرکت‌های بسیاری در سطح جهان مشغول مطالعه و تحقیق و ابداع روش‌های جدید تولید محصولات غذایی و زراعی تراریخته (تغییر شکل یافته ژنتیکی)<sup>۳</sup> هستند. اغلب این شرکت‌ها با انجام تغییرات ژنتیکی معمولاً حق امتیاز انحصاری تولید و توزیع این قبیل غذاها و بذرها را دارند. از سوی دیگر حقوق محیط زیست با استناد به اصل احتیاط، چندان موافق با تولید چنین غذاهایی نیست. از جمله مهم‌ترین مشکلات این قبیل مواد غذایی و گیاهی، می‌توان به ایجاد سموم و توکسین‌ها، افزایش میزان ابتلا به سرطان، آلرژی‌های غذایی، خسارت به کیفیت غذا، مقاومت به آنتی‌بیوتیک، آلودگی ژنتیکی، نابودی حشرات مفید، حاصلخیزی خاک، ایجاد ابر علف هرزها<sup>۴</sup> و ابر حشرات<sup>۵</sup> اشاره کرد (جمعیت صلح آبی، ۱۳۸۳، ص ۵-۲). برای نمونه می‌توان از بحث‌هایی که در خصوص تولید ذرت‌های ژنتیکی<sup>۶</sup> تغییر شکل یافته در فرانسه مطرح گردید هم یاد کرد. به عبارت روشن‌تر، حقوق مالکیت فکری از سویی به حمایت از این قبیل تولیدات پرداخته، از سویی دیگر حقوق دانان محیط زیست در خوش‌بینانه‌ترین حالت تأکید بر تضمین ایمنی زیستی در فناوری‌های مهندسی ژنتیک دارند که پروتکل ایمنی زیستی یکی از مهم‌ترین این اسناد است. این سند با تأکید بر تعهدات مختلف، از جمله رعایت اصل اطلاع‌رسانی، اصل محرمانه بودن اطلاعات عضو واردکننده (ماده ۲۱) و اصل احتیاطی به دنبال تضمین ایمنی زیستی در فناوری زیستی است. در واقع حقوق مالکیت فکری نیز در قید این ملاحظات جای می‌گیرد. این موضوع را می‌توان در موارد مربوط به نقل و انتقال موجودات زنده تغییر شکل یافته دید.

1. Protocole de Cartagena sur la prévention des risques biotechnologiques, signé le 29 janvier 2000

۲. ایران در سال ۱۳۸۲ش به این پروتکل پیوسته است.

3. Organisme génétiquement modifié (OGM).  
4. Super weeds  
5. Super insects  
6. Maïs Transgénique



**۲.۳. گونه‌های جدید گیاهی**

در این زمینه می‌توان به دو سند مهم اشاره کرد که شامل کنوانسیون ۱۹۶۱م راجع به حفاظت از گونه‌های جدید گیاهی و کنوانسیون ۲۰۰۱م در خصوص منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری می‌شود.

**۱. ۲.۳. حفاظت از گونه‌های جدید گیاهی**

کنوانسیون حفاظت از گونه‌های جدید گیاهی مصوب ۱۹۶۱م<sup>۱</sup> با اصلاحات بعدی، بیشتر مد نظر تریپس در خصوص گونه‌های جدید گیاهی است. این کنوانسیون در زمینه گونه‌های گیاهی جدید، حقوق مالکیت‌های فکری (آی پی آر) جدید از جمله دو حق پرورش‌دهندگان گیاهان و حق انحصاری کشاورزان بر بذر را شناسایی می‌کند.

**الف) حق پرورش‌دهنده گیاه.** این حق برای شخصی که گیاهان جدید را پرورش می‌دهد ایجاد می‌شود (حق پرورش‌دهنده گیاه). این حق که هم شامل بازار فروش و هم تکثیر گیاه بوده، با قید حفاظت محیط زیست روبروست. این قید ناظر به استثنای گونه‌های حفاظت‌شده از حق پیش‌گفته می‌شود. به عبارت دیگر، حق پرورنده گیاه شامل حمایت از گونه‌های حفاظت‌شده نخواهد بود.

**ب) حق انحصاری کشاورزان.** به موجب این حق، کشاورزان می‌توانند بذر خریداری‌شده را برای سال‌های بعد نیز استفاده کنند و نیازی به تمدید قرار داد یا پرداخت مبلغ اضافی به پرورنده یا ایجادکننده بذر جدید نیست. البته به موجب اصلاحات سال ۱۹۹۱م، قوانین ملی اجازه دارند حق انحصاری کشاورز را تابع نظام ملی خود قرار دهند.

با وجود اینکه این کنوانسیون گونه‌های گیاهی حفاظت‌شده را مستثنا کرده است، ولی در این میان محیط زیست‌گرایان بر نظام حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی‌شده در این کنوانسیون انتقادات چندی وارد نموده‌اند. نخست اینکه شناسایی حق پرورنده گیاه در ایجاد محصولات زراعی جدید باعث نابودی گونه‌های سنتی گیاهان جانوری، نابودی گونه‌های به‌ظاهر مضر نظیر وینکادروزا<sup>۲</sup> می‌شود. دوم اینکه شناسایی این حق، کاهش تنوع محصولات گیاهی و تنوع بیولوژیکی را به دنبال خواهد داشت. و سوم اینکه شناسایی این حق به معنای نابودی دانش سنتی کشت گیاهان، کاهش تنوع کشت و حرکت به سوی کشت «اقتصادی‌ترین گونه‌های جانوری و گیاهی» به جای «مناسب‌ترین گونه‌ها از لحاظ تعادل بوم‌شناختی» است.

1. (International Convention for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV).

۲. علف هرزی که ضد سرطان است.

## ۳.۲.۲. کنوانسیون رم

موضوع کنوانسیون رم منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا کشاورزی<sup>۱</sup> است. این منابع نقطه تلاقی سه حوزه کشاورزی، محیط زیست و تجارت شمرده می‌شود. این منابع<sup>۲</sup> ماده اولیه و ضروری اصلاح گیاهان زراعی از طریق انتخاب کشاورزان، اصلاح کلاسیک نباتات یا فناوری زیستی نوین می‌باشد و حفاظت از آنها در سازگاری با تغییرات غیرقابل پیش‌بینی زیست‌محیطی و نیازهای آتی بشر ضروری است. کنوانسیون بین‌المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی مصوب سوم نوامبر ۲۰۰۱، سی و یکمین کنفرانس سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی سازمان ملل متحد در شهر رم<sup>۳</sup> به‌دنبال مدیریت قانونمند نحوه استفاده و نقل و انتقال منابع ژنتیکی است. این موضوع به‌طور مشخص در ماده ۱۱ با مالکیت‌های فکری مرتبط است. در این زمینه کنوانسیون به دو مسئله مهم ذیل می‌پردازد که به‌نوعی نافی دکترین بی‌طرفی نظام حقوقی مالکیت فکری در خصوص محیط زیست است:

نخست، ادعا نداشتن دریافت‌کنندگان نسبت به حق مالکیت معنوی است که به‌موجب آن دریافت‌کنندگان نباید مدعی هیچ‌گونه حق مالکیت معنوی یا حقوق دیگری- که موجب محدودیت دسترسی آسان می‌گردد- بر منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی، قسمت‌ها یا اجزای ژنتیکی آنها- به‌صورتی که از نظام چندجانبه دریافت نموده‌اند- باشند. دوم، دسترسی به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی باید با رعایت «حقوق مالکیت معنوی» و حقوق دیگر و طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ذی‌ربط و قوانین ملی مربوط انجام گیرد. افزون بر این‌ها موضوعات دیگری نیز به صورت غیرمستقیم به این امر مربوط می‌شوند. از مهم‌ترین تعهدات ذکرشده در این کنوانسیون مرتبط با حقوق مالکیت فکری می‌توان به این موضوعات اشاره کرد:

- تهیه فهرست منابع ژنتیکی در راستای شناسایی تهدیدها (بند الف و ب قسمت ۱ ماده ۵).

- حمایت از تلاش زارعان در زمینه حفاظت و ابداع منابع ژنتیکی.

- حمایت از تلاش زارعان و جوامع محلی برای مدیریت و حفاظت منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی.

1. La gestion des ressources phytogénétiques pour l'alimentation et l'agriculture

۲. منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی، به هرگونه ماده ژنتیکی با منشأ گیاهی اطلاق می‌شود که دارای ارزش بالفعل یا بالقوه برای غذا و کشاورزی باشد (ماده ۱ کنوانسیون).

3. Traité international sur les ressources phytogénétiques pour l'alimentation et l'agriculture (novembre- 2001).

- «حفاظت در رویشگاه طبیعی»<sup>۱</sup> گونه‌های وحشی گیاهان زراعی و گیاهان، به‌ویژه از طریق حمایت از تلاش‌های جوامع بومی و محلی (مجنونیان، ۱۳۸۷، ص ۶۲۵).

- «حفاظت در خارج از رویشگاه طبیعی»<sup>۲</sup> با توجه به ضرورت مستندسازی، شناسایی، احیا و ارزیابی مناسب و ترغیب توسعه و انتقال فناوری‌های مناسب برای این منظور، از نظر اصلاح استفاده پایدار از منابع ژنتیکی گیاهی.

دو مسئله زیر از جمله شرایط یادشده برای دسترسی آسان به منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی در قالب نظام چندجانبه مشخص شده در ماده ۱۱ در خصوص مالکیت فکری است:

الف) استفاده تجاری از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی در قالب نظام چندجانبه به صورت منصفانه و عادلانه از طریق سازوکارهایی نظیر «تبادل اطلاعات»<sup>۳</sup>، «دسترسی به فناوری و انتقال آن»<sup>۴</sup>، «ظرفیت‌سازی»<sup>۵</sup> و «تسهیم منافع حاصل از تجاری‌سازی»<sup>۶</sup>.

ب) فراهم کردن امکان دسترسی طرف‌های متعاقد به فناوری‌های حفاظت، شناسایی، ارزیابی و استفاده از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی که در قالب نظام چندجانبه قرار دارند، یکی دیگر از سازوکارهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون است. بر این اساس، «طرف‌های متعاقد با تصدیق اینکه بعضی از فناوری‌ها فقط می‌توانند از طریق مواد ژنتیکی منتقل شوند، دسترسی به این گونه فناوری‌ها و مواد ژنتیکی را که در قالب نظام چندجانبه قرار دارند و انواع اصلاح‌شده و مواد ژنتیکی ایجادشده با استفاده از منابع ژنتیکی برای غذا و کشاورزی در قالب نظام چندجانبه را مطابق مفاد ماده (۱۲) فراهم و یا تسهیل می‌نمایند» (بخشی از ماده ۱۳ معاهده).

به‌موجب این کنوانسیون، دسترسی و انتقال فناوری از جمله فناوری‌هایی که با «حقوق مالکیت معنوی» حمایت می‌شوند، به کشورهای درحال توسعه که طرف متعاقد این کنوانسیون هستند، به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای با اقتصاد درحال گذار با شرایط منصفانه و کاملاً مطلوب فراهم و یا تسهیل خواهد شد؛ به‌ویژه در زمینه فناوری‌های مورد استفاده برای حفاظت و همچنین «فناوری‌های سودمند» برای کشاورزان، از جمله با شرایط اعطایی ممتاز و ترجیحی و مورد توافق متقابل، به‌ویژه از طریق مشارکت در تحقیقات و توسعه

- 
1. Conservation *in situ*
  2. Conservation *ex situ*
  3. Échange d'informations
  4. Accès aux technologies et transfert de technologies
  5. Renforcement des capacités
  6. Partage des avantages monétaires et autres découlant de la commercialisation

در قالب نظام چندجانبه. این گونه دسترسی و انتقال در شرایطی صورت خواهد گرفت که با شناسایی، و منطبق بر حمایت کافی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری باشد.

### ۳.۳. برچسب‌های زیستی

برچسب‌های زیستی<sup>۱</sup> نشان‌دهنده سلامت و ایمنی کالاها از منظر زیست‌محیطی‌اند. برخی از این برچسب‌ها نیز تابع نظام ایزو و کیفیت مدیریت زیست‌محیطی کالاها هستند. این برچسب‌ها جزء علامت‌های تجاری‌اند که به ویژگی زیست‌محیطی یک محصول اشاره کرده یا دربردارنده نام‌هایی هستند که دلالت بر سازگاری زیست‌محیطی محصول دارند و نیز ممکن است تأییدیه‌ای از جانب سازمان‌هایی باشند که ویژگی بی‌خطر بودن زیست‌محیطی را گواهی می‌نمایند. تدبیر برچسب زیست‌محیطی استفاده از مفاهیم علامت تجاری را به‌عنوان ابزاری در سیاست زیست‌محیطی نشان می‌دهد (Michael Gollin, 1991: p. 213). برچسب‌های زیستی به سه دسته تقسیم می‌شوند: در نوع اول، یک سازمان به‌عنوان شخص ثالث استانداردهای محصولات دوستدار محیط زیست را تعیین می‌کند؛ مانند سازمان اکو مارک ژاپن. در نوع دوم، برچسب‌های زیستی را تولیدکنندگان به‌وجود می‌آورند. در نوع سوم، درجه تأثیر محصول بر محیط زیست از سوی خود مصرف‌کنندگان بر اساس داده‌های کمی ال سی ای یا ارزیابی چرخه زندگی<sup>۲</sup> سنجیده می‌شود.

این برچسب‌ها نیز به‌ویژه در خصوص محصولات زراعی تراریخته و نصب علائم کیفیت بر روی کالاهای زیست‌محیطی، بحث‌های جدی و فراوانی را در زمینه حقوق مالکیت فکری و نظام برچسب‌های زیست‌محیطی، از جمله استفاده از برچسب‌های تقلبی، غیرواقعی و نامناسب در نظام تجارت بین‌الملل به‌وجود آورده است. در این خصوص می‌توانیم به اختلاف میان اتریش و کشورهای مالزی و اندونزی در زمینه برچسب‌زنی تولیدات چوب‌های جنگلی حفاظت‌شده اشاره کنیم.

### ۳.۴. حمایت از دانش بومی و حفاظت از محیط زیست

در دانش اقوام روستایی که از بطن محیط زیست برخاسته، از واژه‌هایی چون دانش سنتی، دانش فنی بومی، دانش روستایی، علم قومی (یا علم مردمی) استفاده شده است. این دانش در زمینه‌های مختلف چون زبان، اطلاعات، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و نیز مهارت‌ها و حرفه‌های دستی و کشاورزی یک قوم که همگی زاینده تلاش انسان در محیط زیست اوست جلوه‌گر می‌شود (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

1. Environmental labels  
2. Life Cycle Assessment(LCA)

معمولاً جوامع بومی با رفتار معقول و بهره‌برداری پایدار از محیط زیست بهترین حافظان محیط زیست هستند<sup>۱</sup>. این حفاظت در طول سالیان متمادی از عصر کشاورزی تاکنون اعمال می‌شده است. در این راستا حمایت از روش‌ها و ابتکارات بومیان نقش بسیار ارزنده‌ای در حفظ محیط زیست داشته است. در این خصوص در اکتبر ۲۰۰۰ نیز مجمع عمومی سازمان جهانی مالکیت معنوی با تأسیس یک نهاد بین‌حکومتی موسوم به کمیته بین‌حکومتی در خصوص مالکیت فکری، منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فرهنگ عامه، موافقت نمود. نقش اساسی این کمیته بررسی نقش سیستم‌های مالکیت فکری در زمینه دانش سنتی و چگونگی حفظ، حمایت و استفاده عادلانه از دانش سنتی است (کورلاکورسیا و رابینسون، ۱۳۹۰، ص ۵۲۹). بند (د) ماده ۸ کنوانسیون تنوع زیستی مقرر می‌دارد:

«هریک از کشورهای عضو تا حد امکان و به‌گونه‌ای مناسب .... با عنایت به قوانین داخلی خود، به دانش، ابتکار و آداب و رسوم جوامع بومی و محلی که دربرگیرنده شیوه‌های زندگی سنتی مناسب برای حفاظت و استفاده صحیح از تنوع زیستی می‌باشند، احترام گذاشته و آن را حفظ کند و با تأیید و شرکت دادن دارندگان این دانش، ابتکار و آداب و رسوم، کاربرد وسیع‌تر آن را توسعه بخشند و سهم شدن عادلانه در مزایای حاصل از بهره‌برداری از این دانش، ابتکار، آداب و رسوم را تشویق نمایند».

ظاهراً شناسایی این حق با اهداف مقرر در موافقت‌نامه تریپس ناسازگار است؛ چراکه «روشن نیست که دارندگان دانش سنتی بتوانند روی علم و درک خود برای استفاده دیگران کنترلی را اعمال نمایند. بویژه نگرانی موجود نسبت به حق استفاده انحصاری است» (کیس، همان، ص ۱۵۳). افزون‌براین، دانش سنتی و بومی نمی‌تواند نیازهای نوظهور را مورد توجه قرار دهد.

### ۳.۴.۱. نظام حمایت از دانش سنتی در کنوانسیون تنوع زیستی

کنوانسیون تنوع زیستی زیربنای اجرای مفاد کنوانسیون را همکاری متقابل دولت‌های عضو می‌داند. برابر ماده ۸ این کنوانسیون در خصوص بهره‌گیری از دانش سنتی، کشورهای عضو موظف‌اند در جهت حفاظت از منابع زیست‌محیطی دو گونه حفاظت، حفاظت درونی و حفاظت بیرونی را اعمال نمایند.

۱. این عبارت نزد محیط زیست‌گرایان مشهور است که «آنان (گذشتگان) نمی‌دانستند ولی در حفاظت می‌کوشیدند، ما می‌دانیم ولی در حفاظت نمی‌کوشیم».

در خصوص حفاظت درونی، برابر ماده ۸ کنوانسیون، هریک از کشورهای عضو<sup>۱</sup> تا حد امکان و به گونه‌ای مناسب باید با عنایت به قوانین داخلی خود، به دانش، ابتکار و آداب و رسوم جوامع بومی و محلی که دربرگیرنده شیوه‌های زندگی سنتی مناسب برای حفاظت و استفاده صحیح از تنوع زیستی می‌باشد، احترام گذاشته، آن را حفظ نماید و با تأیید و شرکت دادن دارندگان این دانش، ابتکار و آداب و رسوم و نیز کاربرد وسیع‌تر آن را توسعه بخشد. افزون‌براین، با سهمی شدن عادلانه در مزایای حاصل از بهره‌وری از این دانش، ابتکار و آداب و رسوم را تشویق نماید.

در خصوص حفاظت بیرونی، بند پ و ت ماده ۸ کنوانسیون به بیان این نوع حفاظت پرداخته است. هریک از کشورهای عضو تا حد امکان و به گونه‌ای مناسب و در درجه اول برای تکمیل اقدامات مربوط به حفاظت درونی باید استفاده مرسوم از منابع زیستی موافق آداب و رسوم فرهنگی را که با شرایط حفاظت و استفاده پایدار از آن‌ها سازگار باشد، حمایت و تشویق کند و همچنین از جمعیت‌های محلی برای توسعه و انجام اقدامات بهینه‌سازی در مناطق آسیب‌دیده‌ای که تنوع زیستی آن‌ها کاهش یافته است، حمایت کند.

دانش محلی در حفاظت از محیط زیست نقش برجسته‌ای دارد، زیرا جوامع بومی شیوه همزیستی با محیط را طی قرون متمادی کسب کرده‌اند.

کنوانسیون تنوع زیستی بر ترغیب کشورهای عضو برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانش سنتی و تکنولوژی‌های بومی در راستای همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت محیط زیست می‌پردازد. به موجب بند ۱۹ و ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون، کشورهای عضو، همکاری علمی و فنی بین‌المللی را با سایر کشورهای عضو خصوصاً کشورهای درحال توسعه از طریق مؤسسات ملی و بین‌المللی در زمینه حفاظت و استفاده پایدار تشویق می‌نمایند (حبیب، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

### ۳.۴.۲. کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی و حمایت از دانش سنتی

بهره‌گیری از دانش سنتی جوامع بومی یکی از مهم‌ترین اصول چگونگی تهیه برنامه‌های اقدام ملی برای مبارزه با بیابان‌زایی است. درواقع بی‌توجهی به بهره‌گیری از دانش سنتی، نه تنها به مفهوم ناقص بودن برنامه، بلکه به مفهوم عقیم و ابتر ماندن کلیت برنامه مبارزه با بیابان‌زایی تلقی شده است.

۱. دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی به کنوانسیون تنوع زیستی پیوسته است.

کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی<sup>۱</sup> با درک عمیق و واقع‌گرایانه و با شناخت صحیح حقوق صاحبان حق و دارندگان دانش سنتی، به فناوری‌های محلی و سنتی موضوع مالکیت فکری توجه جدی کرده است. این سند دولت‌های عضو را متعهد نموده است که در صورت انتقال و اکتساب، تعدیل و توسعه فناوری، با انعقاد توافقات دوجانبه و منطبق با سیاست‌ها و مقررات ملی خودشان اعتبار یا تسهیلات اعتباری لازم را برای انتقال، اکتساب، انطباق و توسعه فناوری‌های سالم به لحاظ زیست‌محیطی، و قابل اجرا به لحاظ اقتصادی و نیز قابل پذیرش به لحاظ اجتماعی فراهم نمایند. ضمناً این سند تأکید فراوانی بر ضرورت حفظ حقوق مالکیت فکری برای فناوری‌های محلی و سنتی دارد.

بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون بیان می‌دارد: اعضای متعهد باید بر مبنای توانمندی‌ها و با توجه به سیاست‌ها و قوانین ملی مربوطه‌شان اقدام به حفظ، ارتقا و استفاده از فناوری‌های محلی و سنتی نمایند. ماده ۱۹ کنوانسیون یادشده در خصوص اقدامات حمایتی برای بیابان‌زدایی به سه مقوله ظرفیت‌سازی، آموزش و آگاهی عمومی اشاره کرده است.

ماده ۱۶ کنوانسیون نیز در زمینه همکاری‌های فنی و علمی دولت‌ها و مستندسازی دانش بومی در عرصه بیابان‌زدایی مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو موظف‌اند بر اساس توانایی‌های خود جمع‌آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات و آمار کوتاه‌مدت و بلندمدت مربوطه را هماهنگ و یکسان سازند تا از مشاهده منظم تخریب اراضی در مناطق مبتلا به اطمینان یابند و فرایند تأثیرات خشکسالی و بیابان‌زایی را بهتر درک کرده، ارزیابی نمایند. همچنین موظف‌اند انجام وظیفه شبکه جهانی مؤسسات و تسهیلات برای جمع‌آوری، تحلیل و تبادل اطلاعات و همین‌طور برای نظارت منظم در تمام سطوح را تقویت و تسهیل نمایند (حبیب، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۱۸).

### ۵.۳. انتقال فناوری‌های پاک

موضوع انتقال فناوری، جنجالی‌ترین بحث در این زمینه، به‌ویژه در میان کشورهای جنوب و شمال است. انتقال فناوری‌های دوستدار محیط زیست در اسناد متعدد بین‌المللی به‌ویژه اعلامیه ریو، دستور کار ۲۱ و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، به‌عنوان تعهد کشورهای توسعه‌یافته در برابر کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته بیان می‌شود. این تعهد بیش از همه ناشی از اصل بنیادین «مسئولیت مشترک اما متمایز» کشورها در امر حفاظت از محیط زیست است. این اصل با نظر به تفاوت‌های تاریخی و توانایی‌های فنی و اقتصادی متمایز میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه سهم متفاوتی را برای حل بحران محیط زیست در نظر می‌گیرد

۱. دولت ایران در سال ۱۳۷۵ش با تصویب مجلس به آن پیوسته است.

(عبداللهی و معرفی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱). اما حقوق مالکیت فکری به‌ویژه اسرار تجاری و فنی و گواهی‌نامه‌های اختراع و حق‌های انحصاری اختراع ناشی از این تکنولوژی‌ها مانع بزرگی در تحقق این اصل شمرده می‌شوند. مسئله اساسی این است که چگونه باید در جریان انتقال فناوری‌های پاک و ارزان به کشورهای جنوب، به حقوق مالکیت فکری نیز احترام گذاشت؟ این پرسشی است که همواره این دو حوزه را در چالش قرار می‌دهد. رویکرد اسناد بین‌المللی مبتنی بر آشتی این دو گرایش، متضاد بوده است. برای نمونه کنوانسیون تنوع زیستی تأکید دارد که انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه باید به شرایط منصفانه و مطلوب، از جمله شرایط اعطایی ترجیحی مورد توافق دو طرف در شناسایی حقوق بالقوه مالکیت‌های فکری، متعهد باشد (بند ۲ ماده ۱۶).

برابر بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی، کشورهای عضو موظف‌اند تسهیلات لازم را برای دسترسی و انتقال تکنولوژی‌هایی که مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی با استفاده از منابع ژنتیکی هستند و خسارت قابل ملاحظه‌ای به محیط زیست وارد نمی‌کنند، برای دیگر کشورهای عضو تأمین یا تسهیل نمایند.

کشورهای عضو با تأیید اینکه حق امتیاز و سایر حقوق مالکیت فکری می‌تواند بر اجرای این کنوانسیون تأثیر بگذارد باید در این خصوص بنابر قوانین داخلی و حقوق بین‌الملل به منظور حصول اطمینان از اینکه چنین حقوقی حامی این کنوانسیون می‌باشد و مغایر با اهداف آن نخواهد بود، همکاری کنند.

کنوانسیون تنوع زیستی ضمن تأکید بر تسهیل دسترسی دولت‌ها به تکنولوژی و انتقال آن، دانش سنتی و بومی را در راستای تکنولوژی‌های مورد بحث قرار می‌دهد. برای مثال ماده ۱۷ کنوانسیون که دانش‌های بومی و سنتی را در راستای تکنولوژی تلقی نموده، این دو دانش را کاملاً با یکدیگر قابل ترکیب می‌داند. اصولاً در این کنوانسیون این اعتقاد جاری است که تکنولوژی بدون توجه به دانش سنتی محلی که معطوف به یک ناحیه سنتی خاص می‌باشد، از کارایی چندانی برخوردار نیست.

مشابه همین وضعیت را در پروتکل کیوتو و پروتکل مونترال هم می‌توان دید. ماده ۷ موافقت‌نامه تریپس آشکارا بیان می‌دارد که حقوق مالکیت فکری باید در انتقال فناوری به طرز مناسب به رفاه اقتصادی و اجتماعی کمک کند.

#### ۴. نتیجه

شناسایی بی‌قید و شرط حق‌های مالکیت فکری از یک سو و لزوم حمایت و رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از سوی دیگر، نمونه‌ای از این مباحث هستند. آنچه در این نوشتار



به اختصار به آن اشاره شد، طرح دو دکترین رقیب و بررسی آن در نظام حقوق بین‌الملل بود. دکترین نخست که بر بی‌طرفی نظام حقوق مالکیت فکری تأکید داشت و بیشتر از سوی کشورهای شمال در جریان مذاکرات اسناد زیست‌محیطی بر آن تأکید می‌شد و دکترین دوم که نظریه سیستمی حقوق مالکیت فکری بود، بر لزوم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در جریان شناسایی حق‌های مالکیت فکری تأکید داشت. این بررسی با آوردن شاهد مثال در زمینه تنوع زیستی (ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی)، ایمنی زیستی (ماده ۲۱ پروتکل کارتاگانا)، گونه‌های جدید گیاهی (کنوانسیون ۱۹۶۱ UPOV) و منابع ژنتیکی (ماده ۱۱ کنوانسیون ۲۰۰۱ رم)، نشان داد که امروزه حقوق مالکیت فکری نمی‌تواند نسبت به الزامات زیست‌محیطی بی‌طرف باشد. به عبارت رساتر، نظیر استثنای پزشکی و بهداشتی در زمینه حق اختراع، حقوق مالکیت فکری نیز در قید رعایت الزامات زیست‌محیطی و حمایت از این عرصه است (ر.ک. صادقی و شمشیری، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). این حوزه‌ها به‌طور مشخص شامل انتقال تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست، حمایت از دانش سنتی و بومی در حفظ محیط زیست و حمایت از آثار کمترآلاینده می‌شوند.

## منابع و مآخذ

### الف- فارسی

۱. امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۴). «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی». مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۵.
۲. پناهنده، محمد (۱۳۸۲). «جهانی شدن و حفاظت محیط زیست». فصلنامه محیط زیست، ش ۳۹.
۳. جمعیت صلح آبی (۱۳۸۳). ایمنی زیستی در فناوری زیستی. تهران، انتشارات موج سبز، ج اول.
۴. حبیبیا، سعید و معتمدی، غلامحسین (۱۳۸۵). «حمایت از دانش سنتی به‌عنوان یکی از اجزای حقوق مالکیت فکری». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۲.
۵. حبیبیا، سعید و معتمدی، غلامرضا (۱۳۸۵). «حمایت از دانش سنتی در عرصه ملی و بین‌المللی». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۴.
۶. صادقی، محسن (۱۳۸۹). «تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان شهرها». مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ش ۱۸.
۷. عبداللهی، محسن و معرفی، سعیده (۱۳۸۹). «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست». مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۲۹.
۸. کیس الکساندر و دیگران (۱۳۸۶). حقوق محیط زیست. ترجمه محمد حسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ج سوم، ج اول.
۹. کوروکولاسوریا، ال و نیکلاس رابینسون (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست. ترجمه سید محمد مهدی حسینی، انتشارات میزان، ج اول.
۱۰. مجنونیان، هنریک (۱۳۸۷). راهبردها و معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست در دو مجلد.

## ب- خارجي

1. André Durocher,(2002), le droit de la protection de l'environnement et le droit de la propriété intellectuelle,. Sur : [http://www.fasken.com/files/Publication/13dca130-62ec-4a0c-96d0-81813f103aaf/Presentation/PublicationAttachment/ed831a68-2795-4815-9105a26ab713e696/LE\\_DROIT\\_DE\\_L\\_ENVIRONNEMENT\\_ET\\_LE\\_DROIT\\_DE\\_LA\\_PROPRIETE.PDF](http://www.fasken.com/files/Publication/13dca130-62ec-4a0c-96d0-81813f103aaf/Presentation/PublicationAttachment/ed831a68-2795-4815-9105a26ab713e696/LE_DROIT_DE_L_ENVIRONNEMENT_ET_LE_DROIT_DE_LA_PROPRIETE.PDF)
2. Clavier J.P(1998), Les reations de la propriété intellectuelle à l'épreuve des reations génétiques, Paris, l'Harmattan.
3. Falque, Max,(2009), «Les droits de propriété au cœur de la problématique environnementale », [www.unmondelibre.org](http://www.unmondelibre.org), avril 2009.
4. Gollin Michael A,(1991), «Using intellectual property to improve environmental protection», Harvard Journal of Law & Technology, Volume 4, Spring Issue.
5. Goulven Katel et Galvin Marc ,(2000), « La diversité des règles de protection de la biodiversité et de la propriété intellectuelle » (dans : L'environnement dans les négociations commerciales obligatoires : un passage obligatoire ? ed. Solagral, Paris Octobre 2000 p.41-61) [www.ilbert&al-2000-div\\_reg\\_protec\\_iamm.fr](http://www.ilbert&al-2000-div_reg_protec_iamm.fr)
6. Mohamed Ali Hichri,(2007), L'impact des droits de propriété intellectuelle sur l'environnement, Faculté de Droit et Des Sciences Politiques de Tunis – mastère, sur: [http://www.memoireonline.com/08/08/1489/m\\_impact-droits-proprieite-intellectuelle-environnement5.html](http://www.memoireonline.com/08/08/1489/m_impact-droits-proprieite-intellectuelle-environnement5.html)
7. Pigretti, Eduardo Antonio,(2002), «Les blocs régionaux et l'environnement», en: Mondialisation et droit de l'environnement, Faculté de droit et des sciences économiques, Université de Limoges, Centre International de Droit Comparé de l'environnement, Actes du 1<sup>er</sup> Séminaire International de Droit de l'environnement.
8. Prestre P(2005), Protection de l'environnement et relations internationales ; les défis de l'écopolitique mondiale, éd. Armand Colin, Paris .
9. Schmidt-Szalewski J(1999), Droit de la propriété industrielle, Paris, Dalloz.